

همایون علی‌آبادی

شهید سید مرتضی آوینی

کشته‌ای از قبیله ما

رو به دیر آورد و کوهی پشت او
و آن تبرزین کلان در مشت او

رفت و یک تن رفت و چون یک کوه رفت
رفت و تنها رفت و یک انبوه رفت

«سوره» را خواندیم: نشریه‌ای حیات‌یافته از همت
شهید سید مرتضی آوینی؛ از مهر ۶۷ تا فروردین ۷۲ -
چند روز پیش از شهادت - مجموعه‌ای غنی، پربار و
متکی بر ارزش‌های متقن و جهانشمول دینی / فرهنگی،
که زود گُل کرد و بر سریر دل و ذهن اهل هنر نشست.

تحریریه آگاه، ملتزم و جهت‌دهنده «سوره» که بدتبع
از سیره سید مرتضی، جملگی اصل را بر تفکر سلیم
الهی، جهان‌بینی موسع اسلامی و قلم پویا و گویا نهاده
بودند، از شاخصه‌های «سوره» بود. سرمقاله‌های «سوره»
در طی ۶ سال انتشار بی‌وقفه، فتح‌باب خجسته و
متبرکی بود بر بلندای صاحب‌قلمان قامت بسته این دیار.
جهان‌نگری ژرف و پیشگر، قلم توانا و مقتدر و

خاصه سلطه و احاطه همه‌جانبه سردبیر شهید «سوره»
بر ظرایف و دقایق قرآن کریم - که یگانه مرجع و مستند
او بود - به این مقالات، رنگ و بویی قدسی بخشیده
بود. مکتب اسلام و التزام و پایبندی مصرانه وی بر مقرر
همیشگی قلمش، بویژه آن‌جا که نیاز به سند و مستند
داشت، برگی به‌جز اوراق و معارف دین حنیف، قرآن
کریم و حدیث و سخن اهل‌بیت (ع) نبود و از این‌روی
سرمقاله‌های «سوره» از جذبه و شوری خاص برخوردار
بود که زود بر دل اهل نقد و نظر جا خوش کرد.

شهید آوینی، قلم را با قدم و نقد را با نقل آمیخته
بود. شهیدی بیدارگر از اقالیم قبله بود و با شهادتش،
بسیاری را از خواب‌گران دوشین بیدار کرد. و این
هشدار که:

به جام جم ندهم این قصیده نظیری را

که هرکه نشد کشته از قبیله ما نیست
آری قول و فعل، قدم و قلم را از صفحات شاهدگونه
«سوره» تا دوربین و نمادهای سندیت‌یافته «روایت فتح»



فی الجمله شناختنامه‌ای جامع از محاسن این شهید
آل قلم رقم زده‌اند.

«روایت فتح» حرکتی جاودانه و نامیرا در قلمرو
قامت قبله «سوره»: تکانی عظیم در سیر تطور و تحول
تاریخچه نشریات فرهنگی / هنری انقلاب اسلامی بود.
و حضور مغتنم او در عرصه سینما از مباحث نظری و
گفتگوها تا سخنرانی‌های او که حاصل بیش از دو دهه
تعمق و تأمل و بیش از یک دهه شناخت توأمان نظری و
عملی اوست. تفکر فلسفی / اشرافی حاکم بر مجموعه
مقالات کتاب سه جلدی «آینه جادو» - که اولین کتاب
تمثیل‌شناسانه و نشانه‌شناسانه سینما به قلم یک متفکر
ایرانی است -، نوعی تقرّب جدید به ذات و ماهیت
سینما است.

کلمه به کلمه نوشته‌های سید مرتضی که بر اثر
سال‌ها کار مستندسازی به محک تجربه و عمل درآمده
و با عملی سترگ که بر «روایت فتح» متکی است
سرانجام خود راوی را به ذات عملی رسانده و فاتح
«روایت» اش می‌کند.

عمده مباحث نظری مجلات «آینه جادو» شالوده
جزوه‌های درسی او در سال ۶۶ در دانشگاه هنر است و
بخش اعظم مقالات و نقدهای «آینه جادو» در فاصله
مهر ۶۷ تا فروردین ۷۲ در ماهنامه هنری سوره، گاهنامه
سوره سینما و فصلنامه سینمایی فارابی به چاپ رسیده
است.

آثار قلمی شهید آوینی، بی‌گمان افق روشنی را
فراروی مخاطبان سید مرتضی - آنان که با آثارش انس
داشته یا خواهند داشت - می‌گستراند و احتمال
قریب به یقین در شکل‌گیری سینمای راستین و با هویت
آینده این سرزمین مؤثر خواهد افتاد.

و چه خُسن ختام و مطلع الفجر برارنده‌تر از این
سطور:

«فردای دیگر» را شهید آوینی در زمان حیاتش به
دست «برگ» سپرد و اکنون...

دیدم که اکنون مرتضی از گذشته زنده‌تر است و
اطلاق لفظ حیات به این بخش از زندگانی او از همیشه
برازنده‌تر...

می‌خواستم بگویم که در زمان حضورش،
دیدم که او هیچ‌گاه به این اندازه در عرصه دل‌ها،
حاضر نبوده است.

می‌خواستم بگویم پیش از آن‌که از دست ما برود...
که او خود گفت: شهدا از دست نمی‌روند، به دست
می‌آیند.

پس چه حرفی برای گفتن باقی می‌ماند وقتی که
مقام شهید از ظرفیت کلام و کلمه برتر است و در وصف
شهید برای هر قلم اظهار عجز به صواب نزدیک‌تر. فقط
دعا باید کرد که خداوند فاصله ما را با شهیدان کمتر
گرداند و معرفتمان را نسبت به آنان افزون‌تر. هو الاول
والاخر والظاهر والباطن.